

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم وېر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهم از آن به که کشور به دشمن دهم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی
برلین – 18 فبروری 2012

بی ننگ زیر سایه آن درخت مینشیند!!!

"کریستیان وولف" Christian Wulff رئیس جمهور المان امروز 17 فبروری 2012 دقیقاً به ساعت یازده صبح از وظیفه خود استعفاء داد. من که خانه نشینم و گویند "کور خانه نشین از بغداد خبر داره"، دلک تتگم میخواد از همه چیز و کیف و کان این جهان، چه که حتی از کیف و کان کون مکان خبر داشته باشم. به هر صورت:

در خانه نشسته بودم و منتظر ساعت موعود، تا رئیس جمهور المان در سالون مجلل و باصطلاح عامیانه "مفشن" قصر ریاست جمهوری حاضر گردیده و با خواندن یک اعلامیه مختصر اما نافذ، استعفاء خود را پیش کرد. در تاریخ المان فدرال دیده نشده بود که در مدت کوتاه دو سال، دو رئیس جمهور پشت سر هم، پشت کلاه خود بروند. حدوداً دو سال پیش رئیس جمهور آن زمان المان به نام "هورست کیولر" Horst Köhler به نسبت آن مصاحبه نیرنگی که در طیاره در هنگام بازگشت از سفر افغانستان داده بود، مجبور شد که تن به تقدیر داده و از سمّت خود دوری گزیند. آن بیچاره و آن "کلک راستگوی" ضمن آن مصاحبه گفته بود، که:

« در صورت لزوم باید المان از منافع اقتصادی خود بضرر شمشیر دفاع کند!!! »

بیچاره مسکین نمیدانست که نباید همه رازها را فاش ساخت و به گفته حافظ که در باره منصور حلاج فرمود:

گفت آن یار کزو گشت سر دار بلند

جرمش آن بود که اسرار هویدا میکرد

چون بعض گپهاست که باید همیشه در پرده استتار بمانند و هرگز بر زبان آورده نشوند؛ که اگر فاش گردند، حدیث سبزی را به یاد میدهد که بخاطر زبان سرخ بر باد میرود؛ که قدامت گفته اند:

زبان سرخ سر سبز میدهد بر باد!!!

به هر تقدیر! وقتی میبینم که در سرزمینی نظیر المان بخاطر گیهای خرد و ریزه و کم و کسیر و باصطلاح پیش پای افتاده، سرها به باد میروند، یادم از مملکت مظلوم خود می آید که در آن چه میگذرد. البته نه به شیوه حضرت حافظ شیرازی که ماه نو را دید و مزرع اعمال و هنگام درو تداعیش گشت؛ یعنی که نه آن طوری که حافظ فرمود:

مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو

یادم از کشته خویش آمد و هنگام درو

برای من چنین صحنه ای تداعی نگردید، چون ما مسکینان در وطن عزیز کدام گناهی نکرده بودیم، که به جرمش مجازات گردیم. بلکه آن ضرب المثل معروف کابلی تداعی گشت، که در آخر این معروضه پیشش میکشم.

وقتی میبینم که در وطن محبوبم چه ظلمهاست که روا داشته نمیشود و چه جنایاتیست که مرتکب نمیگردند، و چه خیانتهاست که سر نمیزند، ... وقتی قصه رؤسای جمهور المان را میبینم که این طور مفت و کالذی مفت میشود، حیف می آید که چقدر جنایت دیگر باید رخ بدهد و چه مقدار ظلم بر مردم و خیانت بر خاک پاکم برود، تا جنایتکاران سر در جیب تفکر زده، از کرده پشیمان گردند، خط بینی بکشند و از پیشگاه وطن و پیشگاه مردم ستمدیده و پیشگاه تاریخ خونچکان ما خاضعانه معذرت بخواهند!!!! متأسفانه که این آرزو را به گور خواهیم برد، فقط همان یک ضرب المثل کابلی ست که موجب تسلای خاطر میگردد؛ ضرب المثلی که در مورد جنایتکاران و خیانت پیشگان رنگارنگ وطنم به یقین مصداق پیدا کرده است و پیدا کرده راهیست و آن اینست:

بی ننگ را گفتند:

« اگر در فلان جای درخت سبز کنه چی میکنی؟؟؟ »

گفت :

« زیر سائیش مِشِئِم (زیر سایه اش مینشینم)!!!!!! »